

ساخت دفاع شهری ماوراءالنهر در قرون نخستین اسلامی (با تأکید بر بخارا و سمرقند)

فاطمه اروجی*

جواد علیپور سیلاب**

چکیده

تلاش برای دستیابی به امنیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان در طول تاریخ، با انواع وسایل دفاعی صورت می‌پذیرفت. اقدامات دفاعی که به منظور تضمین استقلال، حفظ تمامیت و امنیت ارضی و حراست از مردم خود در مقابل هرگونه تهاجم دشمن صورت می‌گیرد، به دو صورت نظامی و غیرنظامی است که امروزه به ترتیب دفاع عامل و دفاع غیرعامل نامیده می‌شود. اقدامات دفاع غیرعامل که در تأمین امنیت شهرها امری مهم محسوب می‌شود، نیازی به به‌کارگیری مستقیم سلاح ندارد، بلکه شامل اقدامات از قبل پیش‌بینی‌شده برای مقابله بدون درگیری با دشمن است تا ضمن بالابردن هزینه‌های دشمن، موجب افزایش قدرت دفاعی نیروهای خودی گردد. در این راستا، با توجه به موقعیت استراتژیکی ماوراءالنهر که قرون متمادی با یورش‌های متعددی به‌ویژه از سوی ترکان مواجه بوده است، رعایت اصول دفاع غیرعامل در ساختار شهری، به صورت ایجاد استحکامات شهری و مرزی امری لازم بوده است. بخارا و سمرقند به‌عنوان مهم‌ترین شهرهای این منطقه دارای عناصر دفاع غیرعاملی چون ارگ، شارستان، ربض، برج و بارو، دروازه و ... بوده‌اند، که بررسی این ساختار در قرون نخستین اسلامی موضوع مقاله حاضر است.

کلیدواژه‌ها: دفاع غیرعامل، بخارا، سمرقند، کهندژ، شارستان، ربض، بارو.

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، forouji@tabrizu.ac.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول) javadalipoor.s@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۲۵

۱. مقدمه

دفاع غیرعامل شهری از مقولاتی است که در حال حاضر لایه‌ها و ابعاد گوناگون و متفاوتی را داراست و برای همین از زوایای گوناگون می‌توان به بررسی آن پرداخت. به دلیل پیچیدگی‌های محیط شهری، به‌ویژه با در نظر گرفتن بررسی ساختار شهری در گذشته‌های دوردست که فقط اطلاعات اندکی در رابطه با آن موجود است، پرداختن به تمام جنبه‌های دفاع شهری امری دشوار است. آشکار است که نمی‌توان در این نوشتار مختصر به تمامی جنبه‌های دفاع شهری پرداخت؛ پس به منظور تحدید موضوع، تأکید بر بُعد دفاع از محیط شهری در دوره گذشته خواهد بود؛ یعنی، اموری که در شهرهای گذشته اجرایی می‌شد (به‌ویژه در بحث استحکامات) تا توانایی شهر را برای دفاع در مقابله با نیروهای متجاوز بالا ببرد. گفتنی است که دفاع خود دارای دو معنی متفاوت است: از یک سو به معنی ایمنی (safety) به مفهوم حفاظت از شهر در مقابل تهدیدهای طبیعی و دیگر دفاع (defense) به مفهوم حفاظت از شهر در مقابل تهدیدهای مصنوعی ساخته دست بشر. هدف ما در این مقاله بیشتر بررسی ساختار شهری در ارتباط با مفهوم دوم خواهد بود؛ یعنی، اقداماتی که انجام آن توانایی مدافعان شهری را در برابر مهاجمان بالا می‌برد.

موقعیت و ویژگی خاص جغرافیایی منطقه ماوراءالنهر به‌عنوان مرز بین دارالکفر و دارالاسلام، در قرون نخستین اسلامی، روبه‌رویی همواره با هجوم اقوام بیابانگرد و چادر نشین، اهمیت توجه به دفاع غیرعامل را در ساختار شهرهای این ناحیه هویدا می‌سازد. در طراحی شهرهای این منطقه، به‌ویژه دو شهر بخارا و سمرقند، تلاش بر آن بود تا با به‌کارگیری عناصر و عوامل متعدد، در مقابل تهدیدهای متجاوزان مقاومت کرده و جان شهروندان حفظ شود. این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی - نظری در صدد شناسایی عناصر دفاع غیرعامل در ساختار شهری بخارا و سمرقند خواهد بود.

شایان ذکر است تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند، بررسی ساختار دفاعی شهرها با رویکرد دفاع غیرعامل چندان یا به عبارت دیگر اصلاً مورد توجه قرار نگرفته‌است و لزوم بررسی‌های بیشتر را در این زمینه می‌طلبد.

۲. مفهوم دفاع غیرعامل

در کل، دفاع به دو صورت عامل و غیرعامل صورت می‌پذیرد: در دفاع عامل با هدف ممانعت از پیشروی دشمن، از سلاح استفاده می‌شود، اما در دفاع غیرعامل که در منابع

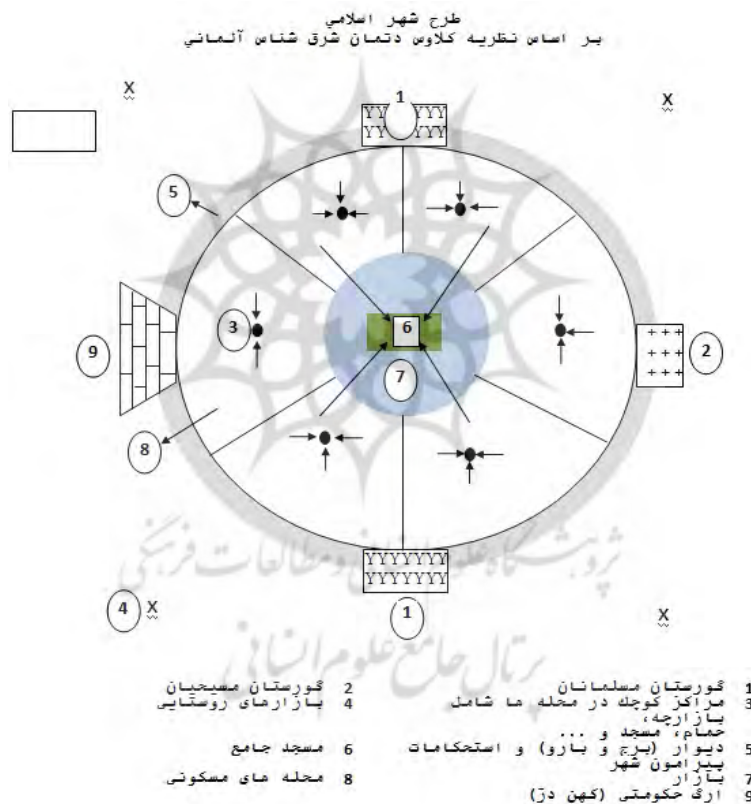
لاتین تحت عنوان «Passive Defense»^۱ به کار برده می‌شود، به کارگیری سلاح و جنگ افزار نیازی نیست؛ به بیان دیگر، روش‌هایی است که با کاربرد آن از آثار زیان‌های ناشی از اقدامات دشمن کاسته شده یا به حداقل می‌رسد (موحدی‌نیا، ۱۳۸۹: ۳). وجه تمایز بین دو دفاع، عامل انسانی است. دفاع عامل به مدیریت مستقیم و کاربری انسانی نیاز دارد و مشتمل بر ابزار و آلات جنگی، سازماندهی، آموزش و مدیریت نیروهاست که در نبود انسان، به خودی خود فاقد اعتبار است، در حالی که دفاع غیرعامل امکانات معماری در زمینه مهندسی جنگ است که بدون ابزار و توانمندی، نیروی رزمی و دفاعی را افزایش می‌دهد. این تأسیسات دفاعی یا طبیعی هستند (مانند موضع‌گیری پشت رودخانه یا هر پدیده طبیعی دیگر) و یا مصنوعی (انواع اقسام بناهای نظامی مانند برج و بارو، خندق و دیده‌بانی و...) و یا تلفیقی از این دو است (اصغریان جدی، ۱۳۷۴: ۷۰).

امروزه، مفهوم دفاع غیرعامل دارای اصولی بدین ترتیب است: ۱. مکانیابی؛ ۲. استتار؛ ۳. اختفا؛ ۴. پوشش؛ ۵. فریب؛ ۶. پراکندگی؛ ۷. تفرقه و جابه‌جایی؛ ۸. مقاوم‌سازی و استحکامات؛ ۹. اعلام خبر (موحدی‌نیا، ۱۳۸۹: ۷۴). اما، با این دیدگاه و مؤلفه‌های یادشده نمی‌توان بررسی چندان دقیقی در رابطه با گذشته به دست آورد. شایان ذکر است که مفهوم امروزین دفاع غیرعامل با مفهوم گذشته آن با توجه به کاربرد سلاح‌ها متفاوت است. در واقع، اقدامات دفاع غیرعاملی به خصوص در ساختار شهرها بر اساس تاکتیک‌های جنگی و نیز سلاح‌های مورد استفاده در زمان و دوره معین قابل بررسی است. پس، مفهوم عناصر دفاع غیرعامل در ساختار شهری بخارا و سمرقند در قرون نخستین اسلامی متفاوت با مفهوم امروزین خواهد بود.

۳. عوامل مهم در شکل‌گیری ساختار دفاعی شهر

اصولاً، در شکل‌گیری شهرها عوامل گوناگونی دخیل بوده‌اند: ۱. استعداد محیط طبیعی؛ ۲. باورهای مذهبی؛ ۳. عامل دفاعی و نظامی؛ ۴. دلایل اقتصادی و بازرگانی؛ ۵. عوامل سیاسی. ملاحظات دفاعی و نظامی از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری سکونتگاه‌های انسانی در تمام طول تاریخ بوده‌است. در ایران باستان هم اقدامات دفاعی رعایت می‌شده‌است و استحکامات دفاعی همچون دیوارهای دفاعی، سد و خندق جزء جدایی‌ناپذیر سکونتگاه‌ها و شهرها بوده‌است. قابلیت تدافعی این سکونتگاه‌های بشری تا به کارگیری توپخانه‌های آتشین همپای دفاع عامل، ضامن حفظ حیات شهر و اهالی شهر از

هجوم بیگانگان بوده است. از این رو، شکل و نقشه شهر، هم‌زمان تابعی از عوامل طبیعی و همچنین طرح استحکامات دفاعی آن بوده تا بدین ترتیب بالاترین درجه محافظت برای آن تأمین گردد. شکل و طرح استحکامات در بسیاری موارد خود نیز از عوامل طبیعی چون توپوگرافی یا لبه رودخانه‌ها تبعیت می‌کرده‌است. بدین جهت، شهر در تبعیت از عناصر دفاعی (اعم از طبیعی یا مصنوعی) گاه شکل هندسی (دایره، چندضلعی، هشت‌ضلعی، مستطیل یا مربع) و گاه شکل غیرهندسی می‌یافته‌است (تصویر ۱). شهر - قدرت‌ها به منظور دستیابی به بالاترین درجه محافظت، نقشه‌ای مدور داشتند، چراکه دفاع از آن آسان‌تر از شهرهای مربع و مستطیل بوده است (داعی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۲).



تصویر ۱. ساختار شهر اسلامی (دانشنامه جهان اسلام، جزوه سوم، ۱۳۷۲: ۳۰۸)

سرزمین تاریخی ایران به دلیل موقعیت استراتژیکی - جغرافیایی، حد فاصل بین آسیای میانه، هند، بین‌النهرین و آسیای صغیر و نیز برخورداری از ثروت‌های مادی،

همواره در معرض تهدیدهای خارجی قرار داشته است. ماوراءالنهر به عنوان جزئی از خاک ایران، واجد چنین موقعیت استراتژیکی و مهمی بوده است. یورش ترک‌ها برای چندین قرن این منطقه را به خود مشغول داشته بود؛ از این رو، ایجاد تمهیداتی که امکان محافظت از جان شهروندان را در شرایط جنگی افزایش دهد، امری اجتناب‌ناپذیر بوده و همواره در این منطقه و در طول تاریخ رعایت می‌شده است.

این آمادگی دفاعی در برابر هجوم بیگانگان، به شکل‌های گوناگون نمایان شده است: گاه با ایجاد استحکامات دفاعی چندلایه به دور سکونتگاه‌های انسانی همچون هگمتانه (اکباتان) (دیاکونوف، ۱۳۸۲: ۵۶-۵۷)، گاه با ایجاد دژها و شهرهای مرزی همچون سمرقند توسط کوروش (همان: ۸۴) و گاه با ایجاد موانع و استحکامات عظیم و گسترده دفاعی همچون دیوار دفاعی گرگان موسوم به «دیوار کسری انوشیروان» که هدف از آن جلوگیری از چپاول ترکان بوده است (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۷۶-۱۷۷).

گفتنی است که در فراز و فرود شهرها در طول تاریخ عوامل گوناگونی دخیل بوده‌اند که می‌توان آنها را در سه گروه دسته‌بندی کرد: الف) مسائل جهان‌بینی یا نحوه نگرش به جهان. این عامل، دین، مذهب، مسلک و ... را شامل شده و تأثیر و تأثر آنها را در شکل‌بخشیدن به کانون‌های زیستی و شهر نشان می‌دهد. در گذشته این عامل در نحوه شکل‌گیری شهرها عاملی بس مهم بوده است؛ ب) دومین عامل، عامل اقتصادی یا چگونگی تعریف مادی جهان است که عمدتاً بر چگونگی تولید و توزیع ثروت و گردش کالا، نحوه تولید، توزیع و مصرف محصولات و رابطه آن با ساخت کالبدی نظر دارد. آنچه در بررسی این عامل در گذشته اهمیت دارد، پدیده «غارث - دفاع» است که در تاریخ ایران، به‌ویژه منطقه ماوراءالنهر و دو شهر مهم سمرقند و بخارا، نقش مهمی را ایفا کرده و تأثیری سرنوشت‌ساز در فراز و فرودها داشته است؛ ج) عامل سوم محیط یا اقلیم است که آب‌وهوا، همواری و ناهمواری و کلاً عناصر زیست‌محیطی را شامل می‌شود. این عناصر در شکل‌گیری شهرها تأثیر اساسی داشته است (حیبی، ۱۳۸۷: چهار). پس، اهالی یکجانشین (شهری، روستایی) باید یکسری اقداماتی را برای حفاظت از جان و مال خویش پیش‌بینی می‌کردند تا در صورت قرارگرفتن در وضعیت ناگوار، بتوانند از پس دشمن به‌خوبی بریابند. این اقدامات همان به‌کارگیری عوامل دفاعی غیرعامل است که در کنار دفاع عامل به‌راحتی می‌توانست از شهر در برابر دشمن محافظت کند.

با ورود اسلام به ایران و به دنبال آن تغییراتی که در حکومت صورت پذیرفت، جهان‌بینی جدید مسلمانان که اصل را در برابری می‌دانست، در شاکله شهر بروز یافت. در شار یا شهر اسلامی برخلاف شار ساسانی، طبقه ممتازی لاقبل در آغاز کار وجود نداشت. در شهر دوره اسلامی قبل از هر چیز «نقش مذهبی» [مسجد] شهر بر اهداف «نظامی - اقتصادی» حکومت‌های مستقر در آن شهر اولویت دارد (همان: ۴۰-۴۱). شهرهای دارای ساختار اسلامی ماوراءالنهر، چون بخارا و سمرقند، که ما به بررسی ساختار دفاع غیرعاملی آنها در این مقاله می‌پردازیم، یک سری ویژگی‌ها و عوامل مشخص داشت که در درون ساختار سه‌گانه: کهندژ، شارستان و ربض به وجود خود ادامه داد.

۴. ساختار دفاعی شهرهای بخارا و سمرقند

در قرون نخستین اسلامی، بنا به تشکیل دولت واحد اسلامی از سویی و سازمان‌یابی حکومت‌ها و دولت‌های خودمختار محلی - منطقه‌ای (طاهریان، سامانیان و صفاریان در ایران، ابن طولون در مصر و ادریسیان در مراکش و ...) سبب ایجاد ثبات نسبی در پهنه وسیعی از سرزمین‌های فتح‌شده از جمله ایران گردید. نتیجه چنین ثبات و ایجاد امنیت برای مدت کوتاهی باعث از میان رفتن مقوله «غارت - دفاع» به سبب تفویض به قدرت‌های محلی و به طوایف و ایلات و در نتیجه رونق دادوستد و بازرگانی در سرزمین‌های اسلامی بود. اما با این حال، پدیده «غارت دفاع» از بین نرفت، بلکه از قرن سوم و چهارم هجری، ورود هرچه بیشتر عنصر ترک در منطقه ماوراءالنهر بر شدت آن افزود.

منطقه ماوراءالنهر و شهرهای مهم آن سمرقند و بخارا، به لحاظ اقتصادی در درجه بالاتری از پیشرفت قرار داشتند، اما مناطق ترک‌ها (آن طرف رود سیحون) فاقد هر نوع زندگی شهری بودند، آنها بیشتر مردمانی اهل کارزار بودند:

... و مردمانی اند با سلاح و آلات دلیری و شوخی اندر حرب و ایشان به هر وقتی بغزو آیند به نواحی اسلام، بهر جایی کی افتند و بر کوبند و غارت کنند و زود بازگردند ... (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۸۶-۸۷).

شهرهای منطقه ماوراءالنهر به لحاظ موقعیت خوب استراتژیکی، بیشتر شهرهای «بازرگانی - اقتصادی» بودند و برای کل ایران در مقابله با نیروی ترکان نوعی حایل و سپر محسوب می‌شدند (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۶۳-۶۶؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۶۳۸). بخارا و سمرقند به‌عنوان مهم‌ترین شهرهای این منطقه، چون نگینی در دل آن قرار داشتند (فرای، ۱۳۶۵: ۱۸).

الف) بخارا: مهم‌ترین شهر ماوراءالنهر در دوره سامانی بخارا بود.

بخارا شهری بزرگست و آبادان‌ترین شهر است اندر ماوراءالنهر و مستقر ملک شرق است ... و مردمان وی تیراندازند و غازی‌پیشه... و حدود بخارا دوازده فرسنگ اندر دوازده فرسنگست و دیواری به گرد این همه درکشیده بیک پاره و همه رباط‌ها و ده‌ها از اندرون این دیوارست (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۰۶).

و مترکم‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر منطقه ماوراءالنهر بوده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۱).
ب) **سمرقند:** سمرقند از لحاظ وسعت، نفوس و ثروت‌مندی، همیشه جایگاه برتری در بین شهرهای ماوراءالنهر داشته است. سبب این اهمیت، موقعیت جغرافیایی (قرارگیری آن در نقطه ارتباطی راه‌های عمده بازرگانی هند، ایران و متصرفات ترکان) و حاصلخیزی فوق‌العاده آن بود (بارتولد، ۱۳۵۲: ۱/ ۲۰۷؛ اسحاق بن حسین منجم، ۱۳۷۰: ۹۰؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۴۰۲؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۹؛ یعقوبی، ۲۵۳۶: ۶۹). چنان‌که ملاحظه می‌شود، شهرهای بخارا و سمرقند به لحاظ اقتصادی در درجه بالاتری نسبت به دیگر شهرها قرار داشتند؛ بنابراین، همواره در معرض غارت به‌ویژه ترک‌ها بودند. پس، رعایت و پیش‌بینی اصول دفاعی که امکان محافظت از شهر (مردم، معیشت و بازار) را در مقابل دشمنان داشته‌باشد، امری ضروری بوده است.

در راستای حفاظت در برابر هجوم ترکان و دیگر مهاجمان، پهنه ساختار شهری در این دوره از نظر دفاعی، دارای سلسله‌مراتب فضایی سه‌گانه به ترتیب زیر بود: ۱. ارگ (کهندژ) که قصر عمارت حکومتی بود؛ ۲. شارستان که خود شهر در میان حصار بود؛ ۳. ربض (حومه) بخش خارج از حصار شارستان بود. در ادامه، با به‌کارگیری مؤلفه‌های دفاع غیرعامل (البته در تناسب با زمانه خود)، به این سه حیطة اشاره خواهد شد.

۱.۴ ارگ (فهندز - کهندژ)

ارگ یا قلعه از عناصر مهم «اداری - نظامی» شهرهای ایران در دوره اسلامی بود. در فرهنگ‌ها، قلعه درون قلعه را ارگ نامیده‌اند (انجو شیرازی، ۱۳۵۱: ۱/ ۸۳۴؛ تتوی، بی‌تا: ۱/ ۹۷). با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی زمین و راه‌های منطقه‌ای پیرامون آن و موقعیت «نظامی - دفاعی» شهر در منطقه، «مکان‌یابی» فضای ارگ، اغلب در دو محل بود: نخست، در بخشی از شهر که نسبت به نواحی مجاور خود مرتفع‌تر و در نتیجه از نظر دفاعی دارای موقعیت مناسبی بود؛ دوم، در اثر فقدان چنان ناحیه‌ای در شهر یا به سبب عوامل دیگر در

نزدیکی یا متصل به باروی شهر، در منطقه‌ای که دسترسی راحت برای ورود و خروج به ارگ داشت، ساخته می‌شد. در این حالت، ارگ دارای حداقل دو دروازه یکی به سوی شهر و دیگری به سوی خارج شهر بود. شایان ذکر است که وضعیت سیاسی - نظامی هر شهر و قدرت دستگاه حکومتی نیز در تعیین محل ارگ مؤثر بود. عوامل تعیین‌کننده محل استقرار ارگ از جمله ویژگی‌های جغرافیایی و محیطی برخی از شهرها به گونه‌ای بود که ترجیح می‌دادند ارگ را در نقطه‌ای مناسب در بیرون شهر احداث کنند. موقعیت و استحکام بعضی از قلعه‌ها چنان بود که امکان محافظت از آنها با یک مرد وجود داشت. علاوه بر این، چگونگی قرارگیری فضاها و عناصر مهم شهری مانند بازار، مسجد جامع و مهم‌ترین دروازه شهر می‌توانست در شکل‌گیری محل استقرار ارگ تأثیرگذار باشد، زیرا اغلب سعی می‌کردند تا محل ارگ در ارتباط با فضاهای یادشده باشد. فضاها، عناصر و تأسیسات درون ارگ امکان یک زندگی نیمه‌مستقل را برای ساکنان آن تأمین کرده، به آنها امکان می‌داد در صورت محاصره شدن برای چند ماه بدون نیاز به خارج، زندگی خود را ادامه دهند. ارگ در حقیقت حفاظت از حاکم و مأموران تحت نظر وی را در مقابل نیروهای خارجی و مخالفان و رقبای داخلی برعهده داشت (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۲۸۶-۲۸۸).

نمونه‌های تاریخی زیادی از ارگ‌ها در تاریخ ایران وجود دارد. نمونه بسیار مشهور آن ارگ بخارا است که توصیفی از «کهندژ» آن در تاریخ بخارا باقی مانده است:

... و در میان حصار راهی بوده است راست از این در بدان در. و این حصار جای‌باشش (محل اقامت) پادشاهان و امیران و سرهنگان بوده است. و زندان‌ها و دیوان‌های پادشاهی و کاخ جای نشست پادشاهان از قدیم باز و سرای حرم و خزینه در وی بوده است ... و این حصار را در چشم خلق حرمتی عظیم بود ... چون در شهر سینه ستین و خمسمائه [۵۶۰ق] خواستند در بخارا ریض بزنند و کدواده ریض از خشت پخته می‌بایست، کدواده حصار را و برجهای او که از خشت پخته بود باز کردند و به ریض شهر بخارا خرج کردند و آن حصار به یکبارگی ویران شد و از آن کاخ و هیچ عمارت نشانی نماند. به کار بردند و دیگر از حصار آثاری نماند (نرشخی، ۱۳۶۳: ۳۴-۳۵).

در توصیفاتی که جغرافی‌نویسان مسلمان از کهندژ بخارا به دست داده‌اند، اشاره کرده‌اند که کهندژ بیرون از شهر قرار داشته است و خود در حقیقت قلعه - شهر کوچکی بوده است که خانه حاکم و زندان در آن قرار داشته است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۰-۲۱۱؛ ابن فقیه همدانی، ۱۳۴۹: ۱۷۵؛ اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۳۹؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۲۲). چنان‌که قبلاً ذکر گردید، معمولاً ارگ در جایی بنا می‌شد که در ارتفاع نسبتاً بلندتری نسبت به شهر

در ترتیب کالبدی ساختاری شهرهای اسلامی به‌ویژه بخارا و سمرقند، به ترتیب ارگ، شارستان و ربض امن‌ترین نقاط محسوب می‌شدند. ارگ برای امنیت بیشتر، دارای باروی جداگانه‌ای بود؛ به همین ترتیب، شارستان و ربض هم برای امنیت هرچه بیشتر ساکنان خود و حفاظت از بازارها، دارای باروهای جداگانه بودند. «سور یا بارو» از عناصر دفاع غیرعاملی مهم در شهرهای ایران به‌خصوص سمرقند و بخارا بود.

۲.۴ شارستان

در اغلب موارد، شارستان و ربض در داخل بارو قرار داشتند، یا اینکه هر کدام بارویی خاص با دروازه‌هایی جداگانه داشتند. «شار» در معنای بخش‌بندی شهرستان، برای بخش میانی شهرستان به‌کار می‌رفت و در منابع تاریخی و جغرافیانگاری دوره اسلامی، بخش میانی از سه بخش اصلی شهر (بین کهندژ و ربض = بیرون) را شارستان (شهرستان) خوانده‌اند و گاه از شارستان بیرونی و درونی یاد کرده‌اند. در دوره اسلامی، واژه شارستان و شهرستان در مفهوم بخش میانی شهر به‌کار می‌رفت. در توصیفی که ابن‌حوقل از بخارا به‌دست داده‌است، عناصر سه‌گانه شهری به‌وضوح مشخص است:

... و جز این بارو [باروی حایط بر بخارا]، باروی دیگری به طول یک فرسخ در یک فرسخ وجود دارد. در داخل این بارو شهری است که آن را نیز بارویی استوار فراگرفته ... (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۰؛ حموی بغدادی، ۱۳۸۳: ۱/۴۵۳).

شارستان یا شهرستان، کهندژ (ارگ) را دربر گرفته، با دروازه‌هایی چند به ربض راه می‌یافته‌است. شارستان سمرقند دیوار جداگانه‌ای داشت که در حدود دو فرسنگ در دو فرسنگ بود (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹: ۱۷۵؛ اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۴۷) با چهار دروازه^۴ (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۹). از جمله افرادی که در قرون نخستین اسلامی، در حصار و باروی سمرقند در مقابل دشمنان پناه گرفت، ابو مسلم بود (طبری، ۱۳۷۵: ۱۱/۶۷۳؛ قاضی احمد تنوی، ۱۳۸۲: ۲/۱۲۶۳).

در فرهنگ‌های لغت همچون فرهنگ جهانگیری و برهان قاطع، شهرستان یا شارستان به معنی حصار گرداگرد شهر به‌کاررفته که در واقع حایل میان بخش‌های بیرونی و درونی شهر است (انجوشیرازی، ۱۳۵۱: ۲/۲۱۸۳؛ خلف تبریزی، بی‌تا: ۲/۷۴). از این رو، در منابع تاریخی اصطلاح‌های شارستان درونی و شارستان بیرونی برای دو بخش از شهر به‌کار می‌رفته‌است. از آنجا که کهندژ هسته مرکزی شهر بوده است و از

نظر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نمی‌توان آن را شار نامید، کاربرد شار میانی برای شارستان نادرست خواهد بود، بلکه نام‌گذاری شار درونی و بیرونی درست‌تر خواهد بود (باستانی راد، ۱۳۸۸: ۴۰). حصار حصین شارستان در واقع مهم‌ترین عامل جدایی آن از ربض بوده‌است که از نظر دفاعی مهم‌ترین نیاز یک شهر برای دفاع از خود بود (عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۶۵).

واژه شهرستان در دوره اسلامی در مفهوم شارستان (شار درونی) به‌کاررفته‌است؛ به عنوان نمونه، در اصفهان از دو شهر به‌عنوان یهودیه و شهرستان نام برده‌شده‌است (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۴۰). شارستان که در دوره باستان اغلب گرد کهندژ را دربرمی‌گرفت، متناسب با سیاست‌های حاکم بر جامعه، محل اسکان قشرهای خاصی چون بزرگان و اشراف، سپاهیان، دبیران و موبدان بود؛ البته، ممکن بود در پیرامون آن، گروه‌هایی از پیشه‌وران و کشاورزان سکونت داشته و به گونه‌ای در اختیار بخش‌های اقتصادی شارستان قرارگیرند. فضای شارستان در شهرهای ایران در پیوند میان کهندژ و ربض مهم‌ترین نقش را برعهده‌داشت. پایداری کهندژ در واقع با شارستان در پیوند بود و شارستان هم موجودیت خود را به حلقه بیرون از خود (شهر بیرونی، ربض) مدیون بود. از این رو، معماری و شهرآرایی شارستان چندان که باید درونگرا نبود، بلکه از هر دو عنصر اصلی شهر (ارگ به مثابه ساختار سیاسی و حکومتی و ربض به‌عنوان پایگاه مهم اقتصادی و اجتماعی شهر) بهره می‌برد، چنان‌که حصار شارستان چندان که باید مانعی نبود تا ارتباط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شارنشینان را با بیرونی‌نشینان و حومه‌نشینان قطع کند، بلکه همواره دروازه‌های شارستان شبکه راه‌یابی شار به بیرون را فراهم می‌کردند. پس از اسلام و با افزایش تأثیرگذاری ربض‌نشینان، ربض در توسعه کالبدی و پویایی ساختار اقتصادی-اجتماعی از شار و کهندژ پیش افتاد (باستانی راد، ۱۳۸۸: ۴۲-۴۳)، اما در بخارا، شارستان همچنان پویایی خود را داشت (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۳۹-۲۴۰).

۳.۴ ربض

در نتیجه رشد و توسعه سریع بازرگانی و تولیدات صنعتی شهرها در قرون نخستین اسلامی، به تدریج اهمیت ربض نسبت به کهندژ و شارستان فزونی یافت، به گونه‌ای که در برخی شهرها، شارستان به کلی ویران شده، ربض یا «شهر خارجی» آبادان گردید (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۸). برای محافظت از ربض‌نشینان، بارویی اطراف آن کشیده می‌شد. گاهی نیز بر

گرد ربض نخستین، ربض دیگری شکل می‌گرفت؛ بنابراین، دور آن هم بارویی کشیده‌می‌شد که هر کدام دارای دروازه‌هایی بودند (همان: ۲۳۴). بخارا و سمرقند دارای ربض بودند (همان: ۲۱۱، ۲۲۰). ساخت ربض در شهر بخارا برای حفاظت مردمان از غارت در دورهٔ احمد بن ابی‌خالد، دست‌نشاندهٔ طاهریان در بخارا، صورت‌گرفت. مردم شهر از او درخواست کردند تا ربضی ساخته‌شود تا شب‌هنگام مردم دروازه‌های آن را ببندند تا از آسیب دشمنان و دزدان و راهزنان در امان باشند؛ پس، به دستور او ربضی با دروازه‌ها و برج‌ها به تاریخ ۲۳۵ق ساخته شد و هرزمانی که احتمال حملهٔ دشمن بود، ربض را عمارت تازه می‌کردند و این عمل چندین بار بازتولید شده بود. حتی در دورهٔ خوارزمشاهیان به سال ۵۶۴ق، فصیلی دور آن انداخته شد (نرشخی، ۱۳۶۳: ۴۸-۴۹).

باروی ربض سمرقند با پیرامونی در حدود دوازده فرسنگ، محیط بر کشتزارها و باغ‌های اطراف شهر بود و دوازده دروازه داشت که فاصلهٔ آنها از هم یک فرسنگ بود (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۷۵). برخلاف بخارا، در سمرقند ربض بر شارستان برتری یافت: «کاروان‌سراها و نیز بازرگانان در ربض اند جز اندکی که در شهر می‌باشند» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۱). با رشد شهرنشینی بر اهمیت ربض افزوده‌شد و چون بازارها که در حقیقت قلب اقتصادی شهر بود، در این ناحیه مستقر شدند؛ بنابراین، بارویی به دور ربض کشیده شد. همچنین، دروازه‌هایی برای حفاظت بیشتر به وجود آمد. بارو به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر دفاع غیرعاملی در شهرهای گذشته همواره مورد توجه بوده است و ما در ادامه بدان می‌پردازیم.

با آگاهی از ساختار سه‌گانهٔ شهری بخارا و سمرقند، ذکر این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که در بافت‌های ارگانیک و سنتی ایران، طرح داخلی شارستان به‌ویژه ارگ به‌گونه‌ای بود که در صورت نفوذ دشمن به داخل قلعه، طرح‌های پیچ‌درپیچ و ابعاد و اندازه‌های کوچک‌ها و احیاناً سباباط‌ها^۱ باعث کندی سرعت مهاجم پس از فروپاشی «شهریست» و خط دفاعی دوم می‌شد. در شارستان، به‌ویژه ارگ مجموعه‌ای از طرح‌های استتار و حتی طرح‌های اغفال‌کننده وجود داشت، به طوری که اکثر شریان‌ها نیروها را به اهداف انحرافی هدایت کرده و یا به بن‌بست‌ها می‌کشاندند. این ویژگی تمام بافت‌های ارگانیک و سنتی ایران است (داعی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۸). بخارا و سمرقند هم از این امر مستثنا نبوده‌اند، اما متأسفانه منبعی که در قرون نخستین اسلامی به بافت محلات و ... این دو شهر اشاره کند، موجود نیست.

۴.۴ بارو

در گذشته، هر شهری برای دفاع از خود در برابر دنیای خارج، حصار و بارویی می‌داشت (بنه‌ولو، ۱۳۸۹: ۵۸). بارو که به منظور جلوگیری از هجوم قبایل چادرنشین و نیروهای مهاجم ساخته می‌شد، در ایجاد اعتماد به نفس در بین حاکمان و شهروندان عاملی بس مهم بود، به گونه‌ای که در بعضی اوقات استحکام برج و بارو، علیه دولت مرکزی می‌شوریدند (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱/ ۴۴۵). بسیاری از شهرها در طول تاریخ به واسطه داشتن بارویی مناسب از خطر قتل عام و غارت در امان مانده‌اند. در منابع تاریخی به چگونگی سقوط برخی از شهرهای بارودار اشاره شده است. تسخیر این شهرها اغلب در اثر خیانت عده‌ای سودجو و منفعت طلب بود که مخفیانه دروازه‌های شهر را به روی دشمن می‌گشودند یا مهاجمان که قدرت تسخیر و تصرف شهر را به سبب داشتن باروهای مناسب در خود نمی‌دیدند، اقدام به محاصره شهر کرده، مردم پس از مدت طولانی یعنی نزدیک به شش ماه که در محاصره به سر می‌بردند، دچار قحطی شده، به اجبار تن به سازش می‌دادند. تعدادی از شهرهای بارودار بدین گونه به تصرف درآمده است. ارتفاع برخی از باروها به حدود ده متر می‌رسید و عرض بالای برخی از آنها نیز چنان بود که چهارپایان به راحتی بر روی آن حرکت می‌کردند^۷ (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۲۸۹).

اصولاً، باروها و دیوارهای شهری در تاریخ جهان و به ویژه ایران، عنصر دفاع غیرعاملی (در حیطه استحکامات) مهمی محسوب می‌شدند و تا دوره قاجار در ایران کارکرد مفید داشتند، اما با تغییر سلاح‌های دشمن و به کارگیری سلاح‌های آتشین دیگر این باروها نتوانستند در امر دفاع مفید و مؤثر باشند، چراکه سلاحی چون توپ به راحتی می‌توانست آن را منهدم سازد و بدین ترتیب بود نقش خندق و دروازه‌ها در امر دفاع غیرعامل شهری.

بخارا و سمرقند هم با توجه به موقعیت منطقه ماوراءالنهر برای حفاظت، دارای چنین باروهایی بوده‌اند. شایان ذکر است که سابقه برج، بارو و خندق بخارا و سمرقند به قبل از اسلام برمی‌گردد و این مسئله در روایت‌هایی نقل شده است: در سال ۷۹ ق، حجاج طی نامه‌ای از قتیبه فتح بخارا و دیگر شهرها را می‌خواهد، اما با عقیم ماندن کوشش قتیبه برای فتح بخارا، حجاج طی نامه‌ای از قتیبه می‌خواهد که: «وضع شهر بخارا و خندق و قلعه او را بالتفصیل تصویر نموده بفرست». پس از ارسال تصویر، حجاج بعد از تأمل در آن مکتوب به قتیبه نوشت که: «حاصلش آن بود که اولاً تو را سعی در پرکردن خندق باید نمود تا گرفتن آن شهر بر تو آسان گردد. والسلام» (قاضی احمد تنوی، ۱۳۸۲: ۲/ ۱۰۶۵-۱۰۶۶). در تاریخ

طبری در رابطه با بارو و حصار سمرقند چنین آمده است: «قتیبه مدتی دراز بماند و در حصار سمرقند^۱ شکاف آورد» (طبری، ۱۳۷۵: ۹/۳۸۶۲). پس چنان‌که ملاحظه می‌شود، بارو به عنوان عنصری مهم در دفاع غیرعامل (در حیطة استحکامات) برای مدت‌زمانی دیرپا، در ماوراءالنهر برای مقابله با مهاجمات مکرر وجود داشته‌است و پس از اسلام هم، همچنان تداوم داشته و به نوعی بازتولید شده‌است.

جغرافیایوسان متعددی به توصیف باروی محیط بخارا پرداخته‌اند. مطلب جالب توجه در رابطه با باروی بخارا اینکه علاوه بر قصبه، بیشتر شهرها و روستاهای اطراف بخارا را دربرمی‌گرفت و محدوده داخل بارو، بیشتر آبادی و باغ بود و صحرا و زمینی لم‌یزرع وجود نداشت (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۰؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۸۶؛ انصاری دمشقی، ۱۳۵۷: ۳۷۶-۳۷۷). مقدسی توصیفی مبسوط از آن به‌دست می‌دهد:

گرد پنج شهر آن دیوار است که درونش دوازده در دوازده فرسنگ است. در آنجا زمین بایر و دیه و امانده دیده نمی‌شود. نام قصبه آن نموجکت می‌باشد. از شهرهای [درون دیوار آن] طراویس، زندنه، بمحکت، خجادی، مغکا است، [و آنچه بیرون آنست] بیکند [زنکرا] خرغانکت، خدیمنکن، عروان [گردان] بخسون، سیکت، جرغر سیشکت، اریامیشن، ورخشی، وزرمیشن [رامینه] و دیه‌هایش که از بسیاری شهرها بزرگ‌ترند: برانیه [وردانه]، افشنه، اودنه، اوردانه خرع، سیجکت، غجدوان، ارزنکر، انکنه، و چیزی از شهر بودن کم ندارند جز داشتن منبر (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۳۸۶).

بنای این دیوار و بارو که فرای آن را به قبل از اسلام نسبت می‌دهد، علاوه بر فراهم‌آوردن امکانات دفاعی در برابر مهاجمان، حصار هم بود در مقابل پیشروی شن‌های بیابان (فرای، ۱۳۶۵: ۲۶-۲۷) که این نوعی حفاظت شهر در برابر بلایای طبیعی بوده‌است. در احداث و ایجاد این نوع دیوار و حصار که مساحت بسیار بزرگی را دربرمی‌گرفت، به‌نظر می‌رسد نوعی دوراندیشی به‌کاررفته‌است؛ مثلاً، احتمال گسترش شهر و نیز تأمین امکانات و اقلام موردنیاز در مواقع محاصره در نظر گرفته‌شده‌بود تا امکان مدیریت بهتری را در درون باروی به این بزرگی به‌وجود آورد.

گفتیم که باروها به دلیل کارکرد آشکار و مفیدی که داشتند، همواره بازسازی می‌شدند. در سبب بازسازی و دوباره‌سازی دیوار بخارا در قرون نخستین اسلامی، به‌آسانی می‌توان به پدیده «غارت - دفاع» پی‌برد، چراکه سبب بنای این دیوار راهی بود از برای جلوگیری از هجوم و تاخت‌وتاز اقوام بیابانگرد. علت بنای دیوار دفاعی (به‌عنوان مؤلفه‌ای در حیطة

استحکامات در مبحث دفاع غیرعامل) در تاریخ بخارا چنین تشریح شده که در زمان خلافت مهدی، خلیفه عباسی، ابوالعباس فضل بن سلیمان طوسی در سال ۱۶۶ق، به امیری خراسان منصوب گشته، به آن دیار رفت. بزرگان بخارا و سغد که با او دیداری داشتند، وضعیت ناامن ولایت خویش را بدین گونه به امیر بازگو کردند:

... ما را از کافران ترک رنج است، که به هروقت ناگاه می آیند و دیه‌ها غارت می‌کنند. اکنون به‌تازگی آمده‌اند، و دیهه‌ها سامدون را غارت کرده‌اند، و مسلمانان را اسیر کرده برده‌اند. ابوالعباس طوسی گفت هیچ تدبیری دارید تا بفرمایم. یزید بن غورک ملک سغد آنجا بود گفت بقای امیر خراسان باد. به روزگار پیشین در جاهلیت ترکان ولایت سغد را غارت می‌کرده‌اند به سغد زنی پادشاه بوده است، او سغد را باره برآورده است، ولایت سغد از ترکان امان یافته. ابوالعباس طوسی بفرمود مر مهتدی بن حماد بن عمرو الذهلی را که امیر بخارا بود از جانب او، تا بخارا را باره زند چنانکه همه روستاهای بخارا اندرون (آن) باره بود به شکل سمرقند، تا دست ترکان به ولایت بخارا نرسد (نرشخی، ۱۳۶۳: ۴۷).

این مسئله را گردیزی نیز گزارش کرده است (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۸۳-۲۸۴). بدین صورت، باره‌ای بر بخارا زده شد و در هر فرسنگ دروازه‌ای بر آن قرار دادند. هریک از امرای بعدی برای حفظ آن تلاش می‌کردند، اما نگهداری آن «معونت و خرجی عظیم بر مردمان بخارا بود» تا آنکه امیر اسماعیل سامانی آن را رها کرد، چراکه او صحنه نبرد را از شهر بخارا دور کرد (نرشخی، ۱۳۶۳: ۴۸). امری بدیهی است که در دنیای قدیم هر شهری برای دفاع از خود در برابر دنیای خارج می‌بایست حصار و بارویی داشت و ناگزیر با رشد شهر، ساختن باروهای متعدد دیگری امکان داشت، اما آنچه در مورد اکثر شهرها و به‌ویژه باروی بخارا قابل ذکر است، هزینه زیاد بنا و نگهداری آن بود که امیر اسماعیل را واداشت تا بازسازی آن را فراموش کند. دلیل دیگر ترک بنای بارو احتمالاً به دلیل تأمین امنیت لازم برای شهر بود:

تا به روزگار امیر اسماعیل سامانی رحمة الله که او خلق را رها کرد تا آن دیوار خراب شد، و گفت تا من زنده باشم باره ولایت بخارا من باشم، و آنچه پذیرفت تمام کرد، و پیوسته به تن خویش حرب می‌کرد، و نگذاشت که به ولایت بخارا دشمنان ظفر یابند (همان: ۴۸).

بقیای این حصار تا زمانی که بارتولد کتاب خود *ترکستان‌نامه* را می‌نوشت، وجود داشته و به صورت خاکریزی بوده که در میان اهالی به کمپیر دیوال (دیوار پیرزنک) مشهور بوده است (بارتولد، ۱۳۵۲: ۱/۲۶۵). چنان‌که آمد، شهرهایی در خارج از باروی بخارا قرار داشتند

که مهم‌ترین آنها بیکنند به‌عنوان شهری تجارتی بود. هریک از شهرهای بخارا که با چین دادوستد داشتند، برای خود در کنار دروازه بیکنند رباطی^۹ داشته‌اند. تعداد آنها بیش از هزار گزارش شده که در هریک از آنها دستجات مسلح ساکن می‌شدند تا در برابر تهاجمات ترکان پایداری کنند (حموی بغدادی، ۱۳۸۳: ۱/۶۵۷؛ بارتولد، ۱۳۵۲: ۱/۲۷۵-۲۷۶). هنگام هجوم مسلمین نیز این شهر دارای حصار بود و برای مدتی توانست در برابر نیروهای قتیبه مقاومت کند (طبری، ۱۳۷۵: ۹/۳۸۱۰-۳۸۱۴). این مقاومت در حدود ۵۰ روز بود تا اینکه مسلمانان با خراب کردن حصار آن از طریق ایجاد حفره زیر دیوار آن، به شهر راه یافتند (نرشخی، ۱۳۶۳: ۶۱).

۵.۴ برج

در نظام دفاعی شهرهای گذشته، برج و بارو به هم وابسته بودند. در فواصل معین دیوار ضخیم بارو، برج‌هایی ساخته می‌شد. برج و بارو در یکدیگر قفل شده، توأمان سازه‌ای مستحکم و نفوذناپذیر به‌وجود می‌آوردند. بر لبه خارجی برج و بارو، دیوارک جان‌پناهی ساخته می‌شد تا پاسداران و نگهبانان از طریق روزن‌ها و تیرکش‌های تعبیه‌شده در آن، بتوانند نسبت به مهاجمانی که قصد تسخیر شهر را دارند، در موضع دفاعی قرارگیرند. برج‌ها معمولاً چندطبقه و هر طبقه دارای یک یا دو اتاقک برای استراحت نگهبانان یا انبار مهمات بود (رسولی، ۱۳۸۹: ۱۲). ابن‌خلدون به‌درستی به نقش برج و بارو در دفاع شهری اشاره کرده و آن را باعث شکستن کمر دشمن دانسته است:

... برای پیکارجویانی که از بالای برج و باروهای شهر بزرگی نبرد می‌کنند همان استحکامات و برج و باروها به منزله بهترین وسیله پایداری است و مجبور نمی‌شوند گروه‌های بسیار و افراد پیشماری را به جنگ وادارند، چه حال آن شهر و ستیزه‌جویانی که آن را پناهگاه خویش می‌سازند خود از موجباتی است که پشت (امت) ملت مهاجم را می‌شکند و نیروی جنگی دولتی را که آهنگ استیلا یافتن بر آن شهر دارد سرکوب می‌کند (ابن‌خلدون، ۱۳۶۶: ۲/۶۷۶-۶۷۷).

شهرهای بخارا و سمرقند هم بالطبع دارای برج‌هایی بوده‌اند، اما فقط ابن‌فقیه به برج‌های سمرقند اشاره کرده است:

بر بلندترین جای باروی سمرقند بناهایی سر برافراشته و برج‌های جنگ را ساخته‌اند (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹: ۱۷۵).

۶.۴ خندق

خندق اقدام دیگر دفاعی در اطراف ارگ، شارسنان و ربض بود. هدف از حفر خندق‌ها، جلوگیری از نزدیک شدن مهاجمان به باروی شهر یا کهندژ بود (ملک‌زاده، ۱۳۷۴: ۶۳۹). معمولاً، به هنگام ساخت باروی شهر از خاک پیرامون آن استفاده می‌کردند؛ بدین صورت، پیرامون شهر خندقی مصنوعی ساخته دست انسان به وجود می‌آمد. پس برای ایجاد راه ارتباطی، پلی روی خندق بسته می‌شد و از طریق دروازه‌ها عبور و مرور صورت می‌گرفت. خندقی «گرد بر گرد شهر» سمرقند را محافظت می‌کرد (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۴۷؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۲۱۹؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۰۲) و آب موردنیاز سمرقند هم از جویی سربین، از روی خندق عبور کرده وارد شهر می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۰۳). برای بالابردن هرچه بیشتر امنیت ارگ، خندقی به دور آن حفر می‌شد. ارگ بخارا این‌گونه بود و در خندق آن آب انداخته می‌شد (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۳). حفر خندق در پیرامون محل و مکان‌های استقرار لشکر، برای جلوگیری از شیخون و حمله شبانه دشمن نیز امری معمول بود (ابن‌خلدون، ۱۳۶۶: ۱/۵۲۷). به سبب کارکرد خوب و مثبت دفاعی بارو و خندق، نخستین اقدام افراد شورشگر علیه حکومت، حفر خندق و عمارت بارو بود (حافظ‌ابرو، ۱۳۵۰: ۲۵۱). گفتنی است که خندق ممکن بود که طبیعی باشد، مانند استفاده از دره و یا اینکه مصنوعی و ساخته دست بشر باشد، مانند خندقی که به دور باروی شهر کنده می‌شد مثل خندق سمرقند.

۷.۴ دروازه

از ممیزه‌های شهرهای سنتی ایران دروازه‌ها بودند که در دو نوع دروازه‌های بیرونی و درونی قابل بررسی هستند:

الف) دروازه‌های بیرونی: منظور دروازه‌هایی از شهر بود که فضاهای درونی شهر را با بیرون مرتبط می‌ساختند و در لبه خارجی محدوده شهر، یعنی حصار جای داشتند. در قدیم سواد (ربض، حومه) معدودی از شهرهای بزرگ دارای حصار و دروازه جداگانه بود که جزو دروازه‌های بیرونی شهر به‌شمار می‌آمدند. همه دروازه‌های بیرونی، همواره در امتداد مسیر جاده و راه‌های منتهی به شهر قرار داشتند. در بیشتر موارد، بازار اصلی شهر از ابتدای یکی از دروازه‌ها شروع می‌شد و گاهی تا دروازه‌های دیگر امتداد می‌یافت (سلطان‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۲):

ب) دروازه‌های درونی: منظور همه دروازه‌هایی که در درون حصار و محدوده شهر بودند. این دروازه‌ها معمولاً در امتداد راه‌های مهم داخل شهر قرار داشته و کارکرد اصلی آنها وجه امنیتی و انتظامی بود و از لحاظ اجتماعی معمولاً به‌غیر از فضای پیرامون دروازه درونی ارک، فاقد فضایی پرتحرک و پویا بودند (همان: ۱۴۴).

بخارا و سمرقند هم دارای دروازه‌های متعددی (چه درونی و چه برونی) در دیوارهای ربض، شارستان و ارگ بودند که نام این دروازه‌ها در متون ثبت شده است:

الف) دروازه‌های بخارا: کهندژ بخارا دو دروازه داشت که ریگستان و دروازه جامع (که به سوی مسجد جامع بود) نامیده می‌شدند. ^{۱۱} *تُمُوجَكَّتْ* به‌عنوان قصبه بخارا (شارستان) هفت دروازه آهنی به نام‌های: شهر، نور، حفره، آهنی، قهندز، بنی‌اسد یا مهر و دروازه بنی‌اسد داشت. ربض شهر هم دارای دروازه‌های متعددی بود: دروازه‌های خراسان و ابراهیم در طرف مشرق، به دنبال آن دروازه ریو، پس از آن دروازه مردکشان و دیگر دروازه کلاباد که این دو دروازه نسف و بلخ بودند؛ سپس دروازه نوبهار و دروازه سمرقند که به سوی سمرقند و سایر نواحی ماوراءالنهر بودند، سپس دروازه بغاشکور، بعد دروازه رامیشه، سپس دروازه جدسرون (دروازه راه خوارزم) بعد دروازه غشج است. علاوه بر دروازه‌های سه‌گانه یادشده (ارگ و شارستان و کهندژ) برای امنیت بیشتر، بازارهای شهر بخارا [که در ربض قرار داشتند] دارای دروازه‌هایی جداگانه بودند از قبیل دروازه آهنی، دروازه پل حسان، دو دروازه نزدیک مسجد ماخ، دروازه رخه و سپس دروازه نزد قصر ابوهاشم کنانی، دروازه‌ای نزدیک پل سویقه، دروازه فارجک و چه و دروازه کوچه مغان و دروازه داخلی سمرقند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۴۰۵، ۴۰۶؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۱، اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۳۹ - ۲۴۰).

ب) سمرقند هم دارای دروازه‌های متعددی بود: باروی شارستان سمرقند دارای چهار دروازه بود که عبارت بودند از: در سمت مشرق دروازه چین که این دروازه از زمین بلندتر بود و برای استفاده از آن به نردبان نیاز بود. در سمت مغرب، دروازه نوبهار یا دروازه آهنین بود که بر تپه‌ای قرار داشت و در شمال دروازه بخارا و در جنوب دروازه کش قرار داشت (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۹؛ ابن‌فقیه، ۱۳۴۹: ۱۷۱، ۱۷۵؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۴۰۲؛ بارتولد، ۱۳۵۲: ۱/ ۲۱۱). حصار ربض هم دروازه‌هایی داشت که در موقع دیدار ابن‌حوقل بدان سبب که موجب فتنه می‌شدند آنها را از میان برداشته بودند و اسامی آنها عبارت بود از: غذاود، اسبشک، شوخشینی، افشینه، ورسنین، کوهک، ریودد و فرخشید (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۴۰۲؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۱؛ اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۴۸). اصطخری هم با ذکر دروازه‌های

یادشده می‌نویسد: «... کی من دروازه‌ای دیدم به سمرقند - روی در به آهن پوشیده و بر یک پارچه از آهن چیزی نبشته ...» (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۴۸). به غیر از این در مذکور که دارای رویه آهنی بود، به گفته ابن‌فقیه دوازده دروازه سمرقند از چوب و دو اشکوبی بودند (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹: ۱۷۵).

در گذشته، دروازه عامل دفاعی مهمی در ساختار شهری محسوب می‌شد. برای همین در تهیه آنها نهایت دقت به کار می‌رفت تا در برابر ضربات دشمن مقاومت نماید؛ در بیشتر موارد، رویه آن از آهن ساخته می‌شد تا از آتش زدن ممانعت به عمل آید؛ در مواقع ناامنی بسته می‌شدند و تا زمانی که دروازه‌های شهر باز نمی‌شدند دشمن نمی‌توانست داخل شهر شود؛ بنابراین، توجه به استحکام دروازه‌ها امری مهم بود. از مطالب بالا چنین مستفاد می‌شود که تعداد دروازه‌ها با امنیت هر یک از ساختار سه‌گانه یعنی کهندژ و شارستان و ربض در ارتباط بود و به نوعی کهندژ به‌عنوان امن‌ترین منطقه دارای کم‌ترین دروازه و ربض به‌عنوان خارجی‌ترین ناحیه دارای بیشترین دروازه‌ها بودند.

این ساختار شهری با عنصرهای متعدد دفاعی ذکر شده، در اکثر شهرهای ایران در دوره اسلامی اجرایی می‌شده است؛ از جمله در همدان (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۶۴)، قزوین (همان: ۱۷۲)؛ نیشابور (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۰۴) «زرنج» سیستان که مرکز حکومت صفاریان بود، دارای شارستان و ربض و خندق بود و دروازه‌های این شهر همه آهنین بودند (همان: ۱۹۳-۱۹۴؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۵۲-۱۵۳).

۵. دیگر اقدامات دفاعی غیرعامل در ماوراءالنهر برای مقابله با ترک‌ها

چنان‌که قبلاً آمد، منطقه ماوراءالنهر همواره با یورش‌های زیادی روبه‌رو بوده است برای همین، برای مقابله بهتر در شهرها دورتر از شهرهای مهم و به‌ویژه شهرهای مرزی، به اقدامات دفاعی دست می‌زدند تا مانع پیشروی دشمن شده و هزینه زیادی را به آنها تحمل نمایند. این اقدام از دوره قبل از اسلام رواج داشت. آنطیوخوس سوتر (۲۸۰-۲۶۱ ق م) جانشین سلوکوس برای حفاظت از واحه حاصلخیز مرغاب که هر سوی آن را بیابان فراگرفته بود، حصار به طول ۲۷۰ کیلومتر بنا کرد که ظاهراً برای ممانعت از تهاجم صحرانشینان بوده است. به نظر بارتولد، تا آنجا که اطلاعات موجود است، این حصار نخستین حایل و مانعی از این نوع در آسیای میانه بوده است. حصارها و خاکریزهای طویل که در نخستین سده‌های اسلامی احداث شده بود، در حوزه زرافشان و بخش

تاشکند نیز محفوظ مانده است. این تأسیسات از لحاظ تاریخ آبیاری واجد اهمیت‌اند، چراکه مرزهای ناحیه با فرهنگ و زراعی را در تاریخی که به‌وجود آمده‌اند مشخص می‌کند (بارتولد، ۱۳۵۰: ۸).

در ادامه این اقدامات دفاعی، در قرون نخستین اسلامی، ماوراءالنهر به‌عنوان منطقه‌ای مهم و استراتژیک، به‌عنوان نخستین خط دفاعی در برابر کفار شناخته شده بود. برای همین، نخستین خط دفاعی دنیای اسلام در برابر ترکان از خوارزم تا اسپجواب و تا سرحد فرغانه بوده است: «و خوارزم ثغر اسلام است در پیش ترکستان و همه ماوراءالنهر ثغر است». به دلیل مرزی بودن و مواجهه با یورش‌های پیاپی، مناطق مرزی چاچ^{۱۲} و فرغانه از بیشترین امکانات برای مقابله برخوردار بودند (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۲۹؛ فرای، ۱۳۶۵: ۶۱). از شهر چاچ به‌عنوان پایگاهی برای مبارزه علیه ترکان استفاده می‌شد (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۷۱). برای مقابله با ترکان که به دلیل مهارت در جنگ، همواره موجب دل‌مشغولی مسلمانان بودند، علاوه بر رعایت ساختار دفاعی در شهرها، در خارج از شهرها، برای مقابله با آنها اقداماتی انجام می‌شد؛ از جمله، در شهر «بنکت» کرسی چاچ، از کوهی بنام «سافلغ» نام، بارویی در برابر صحرای «قلاص» کشیده شده بود که تا رود چاچ امتداد داشت و این بارو مانع تجاوز ترکان به جهان اسلام بود که عبدالله بن حمید بن شور بانی آن بود (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۲۳۴). شهرهایی چون فاراب و طراز نیز به‌عنوان سرزمین‌های مرزی روبه‌روی ترکان در کنار رود سیحون بودند (انصاری دمشقی، ۱۳۵۷: ۳۷۴).

۶. نتیجه‌گیری

در یک نگاه کلی، ساماندهی فضای کالبدی شهر در ایران دوره اسلامی به‌ویژه شهرهای ماوراءالنهر (بخارا و سمرقند)، در جهت تأمین امنیت شهر بود. این ساماندهی به صورت اقدامات دفاعی غیرعامل در ساختار شهری مورد توجه بود تا از این طریق بهتر در مقابل دشمن مقاومت کنند. در دفاع غیرعامل مستقیماً به‌کارگیری سلاح وجود نداشته و ندارد، بلکه یک رشته اقداماتی در زمینه مهندسی جنگ و در ساختار شهری است که استفاده از آن باعث افزایش توان دفاعی شهر می‌گردد. شایان ذکر است که در بررسی سیر تاریخ دفاع غیرعامل، توجه به تکنولوژی جنگی دوره مورد بحث امری لازم است. بخارا و سمرقند به‌عنوان دو شهر مهم ناحیه ماوراءالنهر، به سبب موقعیت خوب اقتصادی، همواره مورد حملاتی قرار داشته‌اند. این غارت در قرون نخستین اسلامی، بیشتر از سوی ترکان

بود؛ بنابراین، برای مقابله با آنها به یکسری اقدامات دفاعی مختلف دست زدند. این مسئله، ذیل پدیده «غارت - دفاع» قابل تبیین است، و در شاکله شهرهای بخارا و سمرقند قابل شناسایی است. عناصر موجود در ساختار شهری بخارا و سمرقند که ذیل مبحث استحکامات دفاع غیرعامل قابل بررسی است، عبارت بودند از: ارگ، شارستان، ربض، بارو، برج، خندق، دروازه و ... این عناصر هر کدام به نوعی زمینه را برای دفاع بهتر شهری آماده می کردند. شهر در برابر حملات دشمن با دیوارهایی محصور و محفوظ می ماند. ارگ به عنوان مقر حکومتی، جنبه نمادین امنیت دیوارها به شمار می رفت و دارای بیشترین استحکامات و در نتیجه بیشترین امنیت بود و سقوط آن به منزله سقوط شهر محسوب می شد. شارستان از آنجا که محل اقامت بزرگان و اعیان و اشراف بود، قبل از ورود اسلام در مقام دوم قرار داشت، اما در دوره اسلامی، تغییراتی حاصل شد که نتیجه آن گسترش بیرونی یا ربض بود. جای گیری اغنیا در مرکز شهر نزدیک به کهنش، مربوط به مسائل امنیتی بود، چراکه دشمن برای دسترسی به محل اقامت آنها نیاز به عبور از موانع مختلف داشت. در شارستان و ربض باروهایی برای حفاظت ساکنان در برابر غارت مهاجمان قرار داشت. تمهیداتی نیز برای مواقع بحرانی همچون مواقع محاصره در نظر گرفته می شد تا شهر با کمترین مشکل بتواند همچنان به حیات خود ادامه دهد. این مقاومت شهری می توانست تا ۶ ماه به طول انجامد. اقدامات یادشده در ارگ از آنجا که محل اقامت طبقه حاکم بود، نمود بیشتری داشت و در آن انبارهایی برای ذخیره آذوقه و نیز آب انبارهایی برای ذخیره آب وجود داشت. آب اساسی ترین نیاز مدافعان یک شهر بود و وجود منابع کافی آب در شهر به لحاظ روانی در مدافعان تأثیر بسیار زیادی داشت. اصولاً در سلسله مراتب فضایی یک شهر همان گونه که بر تعداد دیوارها افزوده می شد، بر ارزش امنیتی آن فضاها هم افزوده می شد. دسترسی به شهر نیز به دروازه ها محدود می شد که این نیز خود عاملی در بالا بردن ضریب امنیت محسوب می شد.

پی نوشت

۱. در سال ۱۹۳۱م، «ژرژ سنت پل» در پاریس انجمن لیوکس ژنو (Lieux de Geneve Association) را بنا نهاد که امروزه سازمان بین المللی پدافند غیرعامل (ICDO) از آن سرچشمه گرفته است. مناطق ژنو به معنای مناطق بی طرف و یا شهرهای امن برای پناه دادن به مردم غیرنظامی در موقع جنگ است (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۸).

۲. در صورت وجود نداشتن چشمه یا نهری در ارگ، آب‌انباری با خشت پخته و آهک در آن احداث می‌کردند که با آب باران پر شده، به مصرف ساکنان می‌رسید (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱/۱۰۷-۱۰۸).
۳. ایالت سغد یا همان سغدیانای قدیم شامل سرزمین خرم و حاصلخیزی بود که میان رود جیحون و سیحون واقع گردیده بود و شهرهای مهم بخارا و سمرقند در این ناحیه قرار داشتند (لسترنج، ۱۳۸۳: ۴۸۹).
۴. در مبحث دروازه‌ها به نام آنها اشاره خواهد شد.
۵. این خود بیانگر امنیت بیشتر و دوری از غارت است.
۶. دالان، راهروی روپوشیده بین دو خانه یا دو دکان و پوشش‌های بالای رهگذر (عمید، ۱۳۸۹: ۶۱۹).
۷. از جمله این شهرها اسفزار از شهرهای مهم هرات بود که در پهنای دیوار آن هفت سوار در پهلوی یکدیگر می‌رفته‌اند (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱/۱۰۷).
۸. قتیبه به‌عنوان والی خراسان، از سوی حجاج مأموریت یافت تا از نهر بلخ عبور کرده و سرزمین‌های آن طرف بلخ را فتح کند. از جمله شهرهایی که قتیبه در دستیابی بدان با مشکل مواجه گردید، سمرقند بود و او برای چندین ماه این شهر را محاصره کرد و نتوانست کاری از پیش برد و «چون قتیبه از جنگ با او ناامید شد چاره‌اندیشی کرد، صندوق‌های بزرگی که از زیر هم دری داشت و از داخل صندوق باز و بسته می‌شد فراهم کرد، و در هر یک مرد مسلحی را همراه شمشیرش جا داد و درهای بالای صندوق‌ها را بست». بعد از این امر، به دهقان سمرقند چنین پیام داد: من عازم سرزمین چغانیان هستم اما مقداری اموال را به‌عنوان امانت پیش تو می‌فرستم تا از آنها به عنوان امانت نگهداری کنی. «دهقان این پیشنهاد را پذیرفت، قتیبه به مردانی که در صندوق‌ها بودند گفت نیم‌شب درها را بگشایید و بیرون آید و خود را به دروازه برسانید و آن را بگشایید، به دستور دهقان صندوق‌ها را وارد شهر کردند. چون شب فرارسید و مردم آرمیدند، مردان مسلح و زره‌پوشیده با شمشیرهای خود بیرون آمدند و هر کس را با آنان رویاروی شد کشتند و خود را به دروازه رساندند، نگهبانان را کشتند و دروازه را گشودند. قتیبه همراه سپاهیان به شهر درآمد و چون بانگ برخاست دهقان از راهی زیرزمینی گریخت و به پادشاه پیوست و سمرقند به تصرف قتیبه درآمد و مردی را بر آن گماشت و خود به سوی چغانیان حرکت کرد ...» (دینوری، ۱۳۸۳: ۳۶۹-۳۷۰). آنچه از این مطلب برمی‌آید این است که سمرقند در قرون نخستین اسلامی دارای استحکامات لازم و کافی همچون برج و بارو و ... برای مقابله با مهاجمان بوده است و در داخل شهر هم امکانات لازم و کافی برای ساکنان موجود بوده است. همچنین، وجود راه زیرزمینی خود نمونه‌ای از به‌کارگیری دفاع غیرعامل بود که اشخاص بلندمرتبه خود را از دست دشمن‌رهایی بخشند. چنان‌که ذکر گردید، ممکن است که حمله از سوی دشمن به‌کارگرفته‌شود و این نمونه خوبی برای آن است که قتیبه نتوانست با فریب دهقان سمرقند، بدون جنگ این شهر را به‌دست‌آورد.

۹. رباط در آغاز به نقطه مستحکمی گفته می‌شد که در مرز متصرفات مسلمان‌ها بوده و «مجاهدان سبیل دین» در آنجا گرد می‌آمدند که بعدها به معنی مهمان و کاروانسرا استعمال شده است (بارتولد، ۱۳۵۰: ۳۰). «بیکند شهر کیست او را مقدار هزار رباطست ...» (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۰۶-۱۰۷).
۱۰. در بعضی شهرها برای حفاظت بیشتر از کهندژ، اطراف آن خندقی می‌کنند؛ از جمله این شهرها «قاین» بود. اصطخری، به خندق کهندژ آن اشاره کرده است (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۱۵).
۱۱. در اصطخری بومجکت (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۳۹).
۱۲. در روزگار المعتصم بالله، نوح بن اسد آن را بازگشود «و چنان دیواری بر گرد آن نهاد که همه تاکستان‌ها و کشتزارهای آن را در بر می‌گرفت» (بلاذری، ۱۳۶۴: ۱۷۶-۱۷۷).

منابع

- ابن حوقل (۱۳۴۵). *سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورۃ الارض)*، ترجمه و توضیح دکتر جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابن خردادبه (۱۳۷۰). *المسالك و الممالک*، ترجمه حسین قره‌چانلو، از روی متن تصحیح‌شده دخویه، تهران: مترجم.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶). *مقامه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، ۲ جلد، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵). *اعلاق النبیسه*، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.
- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی (۱۳۴۹). *ترجمه مختصر البلدان (بخش مربوط به ایران)*، ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اسحاق بن حسین بن منجم (۱۳۷۰). *آکام المرجان فی ذکر الملائن المشهوره فی کل مکان (متن جغرافیایی سده ۴ هجری)*، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد: آستان قدس، معاونت فرهنگی.
- اسفزاری، معین‌الدین محمد الزمعی (۱۳۳۸). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، با تصحیح و حواشی و تعلیقات سید محمد کاظم امام، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- اسفندیاری، احمد؛ ابوالفضل زرنگاریان؛ و حامد حقی (۱۳۸۹). *نقش محوری جمعیت هلال‌احمر در پدافند غیرعامل*، تهران: سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۷). *المسالك و الممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اصغریان جدی، احمد (۱۳۷۴). «دفاع غیرعامل در ارگ بم»، *صفه*، س ۵، ش ۱۹ و ۲۰.
- انجوشیرازی، میرجمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن (۱۳۵۱). *فرهنگ جهانگیری*، ۲ جلد، ویراسته رحیم عقیقی، مشهد: دانشگاه مشهد.

۴۲ ساخت دفاع شهری ماوراءالنهر در قرون نخستین اسلامی ...

- انصاری دمشقی، شمس‌الدین محمد بن ابی طالب (۱۳۵۷). *تخذه الدهر فی عجایب البر و البحر*، ترجمه سید حمید طیبیان، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۵۰). *آبیاری در ترکستان*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۵۲). *ترکستان‌نامه*، ترجمه کریم کشاورز، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- باستانی راد، حسن (۱۳۸۸). «واژه‌شناسی تاریخی شهر در ایران»، فرهنگ، ش ۷۲.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴). *فتوح البلدان* (بخش مربوط به ایران)، ترجمه آذرتاش آذرنوش، به تصحیح استاد علامه محمد فرزاد، تهران: سروش.
- بنه‌ولو، لئوناردو (۱۳۸۹). *تاریخ شهر (شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطی)*، ترجمه پروانه موحد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- تنوی، رشید بن عبدالغفور الحسینی مدنی (بی‌تا). *فرهنگ رشیدی به ضمیمه معربات رشیدی*، ج ۱، تصحیح و تحقیق محمد عباسی، بی‌جا: شرکت سهامی چاپ رنگین.
- حافظ‌ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۵۰). *ذیل جامع التواریخ رشیدی (شامل وقایع سال‌های ۷۰۳-۷۸۱ هجری قمری)*، به اهتمام خانابایا بیانی، تهران: انجمن آثار ملی.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۷). *از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر)*، تهران: دانشگاه تهران.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب (۱۳۶۲). به کوشش منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.
- حموی بغدادی، یاقوت (۱۳۸۳). *معجم البلدان*، ترجمه علینقی منزوی، ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- خلف تبریزی، محمد حسین (بی‌تا). *فرهنگ فارسی برهان قاطع*، ج ۲، به کوشش م. عیدی‌پور، بی‌جا: بی‌نا.
- داعی نژاد، فرامرز (۱۳۸۵). *اصول و رهنمودهای طراحی و تجهیز فضای باز مجموعه‌های مسکونی به منظور پدافند غیرعامل*، مشاوران بهناز امین‌زاده و سید بهشید حسینی، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (۱۳۷۷). زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۷، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- دانشنامه جهان اسلام (۱۳۷۲). زیر نظر سید مصطفی میرسلیم، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ (۱۳۸۲). *تاریخ ایران باستان*، ترجمه روحی ارباب، تهران: علمی و فرهنگی.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۸۳). *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.
- رسولی، هوشنگ (۱۳۸۹). *ساختار شهرها و برون‌شهرهای کهن*، شیراز: نوید شیراز.
- رئیس‌السادات، سیدحسین (۱۳۶۶). «تاریخ شهرهای خراسان سمرقند»، *تحقیقات جغرافیایی*، ش ۷.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۸۵). *فضاهای شهری در بافت تاریخی ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۵). *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*، تهران: نشر آبی.

- سمرقندی، محمدبن عبدالجلیل؛ و ابوطاهر خواجه سمرقندی (۱۳۷۶). *قندیه و سمریه (دو رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند)*، به کوشش ایرج افشار، تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۹، تهران: اساطیر.
- عبدالستار عثمان، محمد (۱۳۷۶). *مدینه اسلامی*، ترجمه علی چراغی، تهران: نشر امیرکبیر.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: راه رشد.
- فرای، ریچارد (۱۳۶۵). *بخارا: دستاورد قرون وسطی*، ترجمه محمود محمودی، تهران: علمی و فرهنگی.
- قاضی احمد تنوی، آصف‌خان قزوینی (۱۳۸۲). *تاریخ الفی*، محقق و مصحح غلامرضا طباطبایی مجد، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- قزوینی، زکریابن محمدبن محمود (۱۳۷۳). *آثارالبلاد و اخبارالعباد*، ترجمه و اضافات از جهانگیرمیرزا قاجار، به تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- گردیزی، ابی سعید عبدالرحی بن الضحاک بن محمود (۱۳۶۳). *زین الاخبار*، تصحیح عبدالرحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- لسترنج، گای (۱۳۸۳). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، ۲ جلد، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- ملک‌زاده، مهرداد (۱۳۷۴). «پایتخت‌های ماد»، *پایتخت‌های ایران*، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- موحدی‌نیا، جعفر (۱۳۸۹). *اصول و مبانی پدافند غیر عامل*، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- نرشخی، ابی‌بکر محمدبن جعفر (۱۳۶۳). *تاریخ بخارا*، ترجمه القبادی، تلخیص محمدبن زفر، تصحیح مدرس رضوی، تهران: توس.
- یعقوبی، احمدبن ابی‌یعقوب (۲۵۳۶). *البلدان*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی